

جغرافیای تاریخی گروس و جایگاه آن در مسیرهای تجاری ایران

محمد جعفر اشکواری^۱

کیمیا عباسیان هریس^۲

چکیده

گروس، یکی از مناطق کهن و کمترشناخته شده در غرب ایران، از دیرباز نقشی مهم در پیوند میان فلات مرکزی، آذربایجان و نواحی غربی کشور ایفا کرده است. موقعیت جغرافیایی ویژه این منطقه، از یک سو زمینه ساز شکل گیری شبکه های ارتباطی و بازرگانی گسترده ای شد و از سوی دیگر، آن را به کانونی راهبردی برای نظارت بر تردد کاروان ها، نیروهای نظامی و کارگزاران حکومتی بدل ساخت. این پژوهش، با استناد به منابع تاریخی و جغرافیایی، به بررسی ساختار طبیعی و تحولات سیاسی-اقتصادی گروس در دوره های مختلف تاریخ ایران می پردازد و نقش آن را در توسعه مبادلات تجاری، رونق بازارها و سازمان دهی مسیرهای ارتباطی مورد تحلیل قرار می دهد. یافته های تحقیق نشان می دهد که گروس، به ویژه از دوره ساسانی تا پایان عصر قاجار، در قالب یکی از گذرگاه های اصلی کاروانی، نقشی کلیدی در مسیرهای تجاری میان غرب، مرکز و شمال غرب ایران داشته و از جایگاهی قابل توجه در تاریخ اقتصادی، اجتماعی و نظامی کشور برخوردار بوده است.

کلیدواژه ها: گروس، جغرافیای تاریخی، راه های تجاری، مبادلات بازرگانی

^۱. دانشیار تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه زنجان ashkevari@znu.ac.ir

^۲. کارشناسی ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه زنجان kimiya3517@gmail.com

مقدمه

مطالعه جغرافیای تاریخی مناطق کمتر مورد پژوهش قرار گرفته، نه تنها می‌تواند به درک بهتر از روندهای اقتصادی و اجتماعی کشور کمک کند بلکه موجب شناخت لایه‌های پنهان تاریخ و زمینه‌های پیدایش و شکوفایی تمدن ایرانی در طول اعصار مختلف می‌شود. منطقه گروس، که امروزه عمدتاً با شهر بیجار و روستاهای پیرامونی آن شناخته می‌شود، از نظر جغرافیایی در محل تلاقی سه ناحیه مهم ایران یعنی کردستان، آذربایجان و همدان واقع شده است. این موقعیت ممتاز سبب شد تا گروس از دیرباز در مسیر شاهراه‌های مهم کاروانی و تجاری جایگاه ویژه‌ای یابد (حمدالله مستوفی، ۱۳۵۰: ۲۳۸) اهمیت این منطقه از آن روست که نه تنها به عنوان یک گذرگاه، بلکه به عنوان یک کانون مبادلاتی و فرهنگی نیز عمل کرده است. داده‌های تاریخی گواه آن است که در اغلب دوره‌های حکومت‌های ایرانی - از ساسانیان و دوران اسلامی تا صفویان و قاجاریه - مسیرهای حیاتی کاروان‌ها و انتقال کالا، از جاده‌های گروس عبور می‌کرده است. این منطقه علاوه بر ایفای نقش واسطه در انتقال کالاهایی مانند ادویه، ابریشم، فرآورده‌های کشاورزی و صنایع دستی (از جمله قالی بیجار، که آوازه جهانی یافته)، به لحاظ نظامی و دفاعی نیز اهمیتی ویژه داشته است؛ چراکه کنترل بر گروس به معنای نظارت بر شبکه راه‌های غرب به مرکز کشور و برعکس بوده است. از این رو، گروس بارها میدان نبردهای منطقه‌ای و محل استقرار نیروهای نظامی بوده و آثار تاریخی و استحکامات باقی‌مانده در این ناحیه، گواه این مدعاست (ابن خردادبه، ۱۸۸۹: ۹۷). مطالعه حاضر در جهت شناسایی نقش گروس در تاریخ اقتصادی و شبکه راه‌های تجاری ایران، نخست به بررسی عوامل طبیعی، توپوگرافی و اقلیمی تأثیرگذار بر جایگاه تاریخی گروس می‌پردازد و سپس روند تحولات اقتصادی، اجتماعی و ارتباطی آن را در بستر و منابع تاریخی و جغرافیایی ترسیم می‌کند. توجه به عوامل سیاسی - نظامی مؤثر بر صعود و افول اهمیت گروس در ادوار مختلف، به ویژه در دوره پهلوی و تغییر شبکه حمل‌ونقل، بخش دیگری از محورهای اصلی این مقاله را تشکیل می‌دهد. به همین دلیل، تلاش می‌شود تا با رویکردی بین‌رشته‌ای، پیوندهای متقابل جغرافیا، تاریخ، اقتصاد و سیاست در شکل‌گیری اهمیت تاریخی گروس تبیین شود. امید است حاصل این پژوهش به عنوان منبعی برای مطالعات جغرافیای تاریخی ایران و شناخت پیوندهای تمدنی مناطق غربی کشور مورد استفاده قرار گیرد.

1. جغرافیای طبیعی منطقه گروس

منطقه گروس که امروز بخش‌هایی از استان کردستان و زنجان و همدان را در بر می‌گیرد، از نظر جغرافیایی یکی از مهم‌ترین مناطق غرب ایران به شمار می‌رود. این منطقه که در گذشته بخشی از زاگرس مرکزی محسوب می‌شد، از دیرباز ویژگی‌های طبیعی آن تأثیر عمیقی بر تاریخ، سیاست و اقتصاد منطقه‌ای و ملی ایران داشته است (حمدالله مستوفی، ۱۳۵۰: ۲۴۰).

1-1. موقعیت جغرافیایی

گروس در حد فاصل رشته کوه زاگرس و مناطق دشتی قرار دارد و شامل ارتفاعات بلند، دشت‌های میان کوهی، رودخانه‌ها، و مراتع غنی می‌شود. ارتفاعات گروس که بخش‌هایی از رشته کوه زاگرس را شامل می‌شود، در طی دوره‌های تاریخی، نه تنها مانع تهاجم و حرکت سریع نیروهای نظامی بوده، بلکه به عنوان پناهگاه طبیعی و محیطی امن برای ساکنان منطقه عمل کرده است (یاقوت حموی، ۱۹۹۵، ج ۴: ۳۹۰). کوه‌های برجسته‌ای مانند شاهو، الوند، و بدر نقش مهمی در هدایت جریان‌های آب و ایجاد منابع آبی فراوان داشته‌اند. از دید زمین‌شناسی، این منطقه دارای ساختارهایی است که شامل سنگ‌های آهکی و شیلی و منابع معدنی غنی مانند سنگ آهن است. وجود این ذخایر معدنی در کنار خاک حاصلخیز باعث ایجاد بستر مناسبی برای فعالیت‌های صنعتی و کشاورزی بوده است.

1-2. ارتفاعات و نقش آن در زندگی تاریخی

رشته کوه زاگرس که بخش عمده‌ای از گروس را احاطه کرده، شامل مجموعه‌ای از قله‌های مهم است که تأثیراتی عمیق بر جغرافیای اقتصادی و دفاعی منطقه داشته‌اند (ابن خردادبه، ۱۸۸۹: ۱۰۴). ارتفاعات بلند این منطقه، مانند کوه‌های الوند و شاهو، بخش مهمی از تاریخچه سکونت انسانی و ارتباطات منطقه‌ای را تشکیل داده‌اند. دامنه‌های این کوه‌ها برای فعالیت‌های دامداری استفاده می‌شد و به عنوان یکی از منابع اصلی تأمین محصولات دامی مانند شیر، پشم و گوشت شناخته می‌شدند. علاوه بر این، ارتفاعات گروس به ایجاد امکانات دفاعی طبیعی کمک کرده‌اند. بسیاری از نقاط این منطقه، در دوره‌های گوناگون تاریخی، به دلیل موقعیت جغرافیایی خود به عنوان پناهگاه و سنگر نظامی استفاده شده‌اند. به عنوان مثال، نقش کوه‌های گروس در مبارزات محلی دوره السلجوقی و مغول بسیار برجسته بود (کرمانی، ۱۳۶۴: ۷۴).

1-3. دشت‌ها و زمین‌های حاصلخیز

یکی از ویژگی‌های برجسته منطقه گروس دشت‌های میان کوهی آن است. دشت‌های قروه و دهگلان از مهم‌ترین دشت‌های این ناحیه به شمار می‌آیند که با خاک بسیار حاصلخیز و منابع آبی قابل توجه، از دیرباز محل کشت محصولات کشاورزی بوده‌اند (فرخ‌سرشت، ۱۳۹۸: ۳۴). در سفرنامه‌های قدیمی مانند آثار ابن حوقل به ظرفیت کشاورزی گروس اشاره شده که شامل کشت غلات، جو، گندم و حبوبات بوده است.

این زمین‌های حاصلخیز، به‌ویژه در مسیرهای تجاری، نقش کلیدی در تأمین نیازهای اقتصادی مناطق دیگر ایفا می‌کردند. بازرگانانی که از مسیرهای گروس عبور می‌کردند، محصولات محلی مانند گندم، جو، و حتی فرش و صنایع دستی را به شهرهای دیگر حمل می‌کردند (بلاذری، ۱۹۸۸: ۲۳۵).

1-4. منابع آبی و رودخانه‌ها

گروس از لحاظ منابع آبی یکی از غنی‌ترین مناطق غرب ایران است. وجود رودخانه‌هایی مانند قزل‌اوزن و سیمینه‌رود و چشمه‌سارهای متعدد باعث ایجاد بسترهای مناسب کشاورزی و سکونت شده‌اند (ابن فقیه، ۱۸۸۵، ص ۲۱۱). قزل‌اوزن که یکی از طولانی‌ترین رودخانه‌های ایران است، در مسیر خود زمین‌های حاصلخیز گروس را آبیاری می‌کند و امکان فعالیت‌های زراعی در این منطقه را افزایش داده است. علاوه بر این، منابع آبی این منطقه باعث ایجاد کاروانسراها و مراکز خدماتی در کنار راه‌های تجاری شده‌اند. این مکان‌ها محل تجمع کاروان‌هایی بود که از گروس عبور کرده و در مسیرهای تجاری غربی یا شمال ایران قرار می‌گرفتند (یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۲۵۹).

1-5. اقلیم و تأثیر آن بر زندگی منطقه‌ای

گروس دارای اقلیمی سرد و کوهستانی است. زمستان‌های طولانی و برفی و تابستان‌های معتدل این منطقه، نه تنها بر الگوهای زندگی و معیشت تأثیر گذاشته بلکه در طول تاریخ بر الگوی تردد کاروان‌ها نیز اثرگذار بوده است (کرمانی، ۱۳۶۴: ۶۷). محصولات کشاورزی متنوع منطقه، شامل گندم، جو، و میوه‌های سردسیری، مستقیم تحت تأثیر اقلیم آن بوده‌اند. اقلیم گروس همچنین باعث ایجاد نوعی خاص از معماری محلی مرتبط با حفاظت از شرایط آب‌وهوایی شده است. خانه‌ها و بناهای تاریخی گروس عمدتاً با توجه به سردی هوا طراحی شده‌اند و در آن از مصالح محلی مانند سنگ و چوب استفاده شده است (حمدالله مستوفی، ۱۳۵۰: ۲۳۸).

2. جغرافیای انسانی و موقعیت تاریخی گروس

گروس از دیرباز به عنوان یکی از مراکز مهم انسانی، قومی و فرهنگی غرب ایران شناخته می‌شود؛ منطقه‌ای که سابقه حضور جمعیت انسانی در آن به هزاران سال قبل و روزگار تمدن‌های اولیه زاگرس می‌رسد. شواهد باستان‌شناسی و آثار به جای مانده از سکونت‌گاه‌های عصر آهن و حتی پیش از آن، نشان‌دهنده دیرینگی تمدن و استمرار حیات انسانی در این سرزمین است. در منابع جغرافی‌نویسان کهن همچون ابن‌حوقل و یاقوت حموی، به وفور از گروس و قریه‌ها و شهرهای پرجمعیت آن یاد شده است. بررسی دقیق تبار ساکنان گروس نشان می‌دهد که اکثریت قریب به اتفاق مردمان این منطقه از نژاد کرد بوده‌اند، اگرچه به مرور زمان گروه‌هایی از ترک‌ها و لر‌ها نیز به صورت تدریجی در برخی نقاط بیرونی این سرزمین ساکن شده‌اند (کیانی، ۲۰۱۹: ۱۳۲). کردهای گروس در طول سده‌ها با تکیه بر ویژگی‌های جغرافیای کوهستانی، استقلال و قدرت خود را حفظ نمودند. زبان کردی با گویش‌های منطقه‌ای خاص، همچون سورانی و کلهری و گروس، به مثابه عامل اصلی هویت‌بخشی اجتماعی مردم ایفای نقش می‌کرده است و همچنان یکی از مهم‌ترین عناصر وحدت فرهنگی و اجتماعی در این خطه محسوب می‌شود (مصاحب، ۲۰۰۷: ۹۷). سنت‌ها و آداب قومی مردم گروس، با همه تشابهات با دیگر مناطق کردستان، در شاخص‌هایی همچون آیین‌های دینی، جشن‌ها، مراسم عزاداری و شیوه‌های معیشتی بازتابی عمیق دارد. شواهد مردم‌شناسی و متون قدیمی از جمله «جامعه‌شناسی کردها» به وصف دقیق شیوه‌های زندگی قبیله‌ای، نقش

بزرگ‌زادگان و ریش‌سفیدان در ساختار قدرت و حتی روابط خاص خانوادگی اشاره دارد که یکی از بنیادهای اجتماعی و سیاسی منطقه را رقم زده بود. ساختار قبیله‌ای و عشیره‌ای در گروس اساس مناسبات اجتماعی را تشکیل می‌داد و این شیوه زیست تا اواخر دوران قاجار و حتی در برهه‌هایی از عصر پهلوی اول، همچنان پابرجا بود. قبایل مهمی همچون فیض‌الله‌وند، بابا کوهی، خالدی، شیخ اسماعیل و حاجی محمدی از جمله طوایف اصلی منطقه بودند که هر یک نقش‌های مشخصی در حراست از اراضی، تصمیم‌گیری‌های جمعی، اداره امور روستاها و راه‌های تجاری منطقه برعهده داشتند (ابن خردادبه، 1889: 114) این ساختار مبتنی بر رابطه‌های خویشاوندی، تقسیم وظایف میان مردان و زنان، ارزش‌های آیینی، و پیوستگی عمیقی با زمین آبا و اجدادی است. زمین در ذهن و فرهنگ مردمان گروس جایگاه ویژه‌ای داشته؛ مالکیت دسته‌جمعی، اشتراک مراتع و تقسیم سنتی منابع آب و چراگاه‌ها از ویژگی‌های بارز اقتصاد روستایی و عشایری در سرزمین گروس به شمار می‌رفته است. الگوهای سکونت، ارتباط مستقیم با شرایط اقلیمی و جغرافیایی منطقه داشته است. پراکندگی روستاها در حاشیه دشت‌ها و دامنه کوه‌ها، معماری خانه‌های سنگی و خشتی با سقف‌های گنبدی یا مسطح، شکل‌گیری روستاهای مدور یا خطی با توجه به منابع آب و میزان بارندگی، همه نشانه تلاش مستمر انسان برای انطباق با محیط زیست است. بررسی معماری محلی نشان می‌دهد که اغلب خانه‌ها یک اتاق بزرگ مرکزی داشته‌اند که برای محافظت در برابر سرمای شدید زمستان، درون آنها اجاق و موقعیت استراحت خانوادگی همزمان قرار می‌گرفت. مصالح ساختمانی ترکیبی از سنگ، چوب و کاه‌گل بود و دریچه‌های باغچه و اصطبل، بخش جدایی‌ناپذیر هر خانه محسوب می‌شد (حمدالله مستوفی، ۱۳۵۰، ص ۲۳۸؛ فرخ‌سرشت، ۱۳۹۸، ص ۳۴). یکی از وجوه مهم جغرافیای انسانی منطقه، شیوه‌های معیشتی و ساماندهی اقتصادی بوده است. برای قرون متمادی عمده جمعیت گروس کشاورز و دامدار بوده‌اند و زندگی بر پایه تولید گندم، جو، حبوبات، و اشتغال در دامداری، به ویژه پرورش گوسفند و بز، جریان داشته است. روستاها در قالب واحدهای خودکفا طراحی می‌شدند و دادوستد و جامعه‌پذیری مبتنی بر مناسبات قبیله‌ای و حمایت متقابل در مواقع قحطی یا تهاجم بود. فراورده‌های دامی، قالی و گلیم، علاوه بر رفع نیازهای داخلی، برای دادوستد با مسافران و کاروانیان مناطق دیگر عرضه می‌شد و زنان اغلب نقش اساسی در تولید صنایع دستی بر عهده داشتند (مصاحب، ۲۰۰۵: ۱۱۰؛ ابن حوقل، ۱۹۶۷: ۱۵۰).

منطقه گروس همچنین همواره محل تعاملات سیاسی و تغییر ساختارهای حکومتی بود. در تاریخ سیاسی ایران پس از اسلام، این سرزمین گاه به کانون مقاومت در برابر سلطه خلافت بغداد، گاه مدافع منافع پادشاهان محلی و گاه مرکز مبارزات ایلیاتی با نیروهای مهاجم تبدیل شد (کرمانی، ۱۳۶۴: ۷۲). موقعیت جغرافیایی گروس - که حلقه اتصال راه‌های حیاتی میان غرب و مرکز ایران بود - سبب گردید تا این ناحیه همواره محل توجه و گاه منازعه دولت‌های مرکزی با سران قبایل و خان‌های محلی باشد. در دوره سلجوقیان، ایلات گروس گاه متحد و گاه رقیب دولت مرکزی بودند و حضور آنها در تصمیم‌گیری‌های سیاسی منطقه‌ای و ملی تأثیر اساسی داشت (هادی زاده، ۱۳۹۰: ۷۲).

تحولات اجتماعی و سیاسی، بارها سبب مهاجرت یا جابه‌جایی اجباری برخی طوایف در منطقه شد. حملات تیموری، درگیری‌های ایلخانیان، جنگ‌های داخلی ایران و حتی ناآرامی‌های محلی در عصر متأخر قاجار، گروس را به مدخل تجمع

یا عبور قبایل و پناهندگان کرد، ترک و لر مبدل ساخت. علاوه بر تنوع زبانی و قومی، این جابه‌جایی‌ها منجر به غنای مضاعف کارکردهای اجتماعی، ظهور پیوندهای میان‌قومی و حتی شکل‌گیری نوعی هویت بازتر و تطبیق‌پذیرتر در میان ساکنان گروس شد (کیانی، ۲۰۱۹: ۱۳۲).

از منظر فرهنگی و مذهبی، گروس به عنوان نقطه آمد و شد عالمان دینی، صوفیان و رهبران مذهبی بسیار مورد توجه بوده است. تأسیس مدارس دینی، خانقاه‌ها و بقاع متبرکه، رفت‌وآمد صوفیانی از قبیل نقشبندی، قادری و حتی اتحادهای مذهبی با مراکز عرفانی کردستان عراق، شاخص‌های نفوذ معنوی و هویت مذهبی منطقه را ترسیم می‌کند. این مراکز گاه بار مسئولیت اجتماعی بالایی بر دوش داشته‌اند: قضاوت دعاوی محلی، هدایت زندگی مذهبی مردم، و میانجی‌گری در منازعات ایلیاتی. باوجود تفاوت‌های مذهبی و فرقه‌ای - اعم از اهل سنت و اهل حق، پیروان طریقت‌ها و گاه شیعیان - محیط اجتماعی گروس فضایی عمدتاً روادار و آزمندانه نسبت به پلورالیسم مذهبی از خود نشان داده است (ابن فقیه، ۱۸۸۵: ۲۱۱)

3. جایگاه گروس در مسیرهای تجاری

ابن خردادبه در «المسالك و الممالك» تصریح می‌کند یکی از شاه‌راه‌های مهم ترانزیت کالا از بغداد و موصل به سمت ری، همدان و خراسان، از ناحیه گروس عبور می‌کرد (ابن خردادبه، ۱۸۸۹: ۸۵ و ۱۰۲)؛ محل‌هایی برای توقف، تعویض بار و اسکان، به‌ویژه در گروس پیش‌بینی شده و بازارها و روابط متعدّد سامان یافته بود. ابن فقیه همدانی در «مختصر البلدان» این موقعیت را دارای بازارها و کاروانسراهای آباد، رونق تجارت میان جبال و آذربایجان و امنیت توقف شبانه کاروان‌ها می‌داند (ابن فقیه، ۱۸۸۵: ۲۹۷). مقدسی در «حسن‌التقاسیم» گروس را شریان اصلی ارتباطی و اقتصادی غرب قلمداد کرده و شهرهایی چون بیجار و قروه را به دلیل حضور مستمر کاروان‌ها قطب‌های مبادلاتی مهم می‌شمارد (مقدسی، ص ۳۹۵). اصطخری نیز موقعیت محوری گروس را در تلاقی راه‌های ری - همدان و آذربایجان و نقش آن در اتصال به سلطانیه، تبریز و عراق، همراه با امنیت و موقعیت سوق‌الجیشی منطقه برجسته می‌سازد (اصطخری، ۱۳۹۰: ۹۸-۹۹). یاقوت حموی (ذیل مدخل «گروس») و حمدالله مستوفی («نزهة القلوب»؛ ۱۳۵۰: ۲۱۰) بر پررونق بودن کاروان‌ها، بازار و تلاقی فرهنگ‌ها و آیین‌ها در گروس تأکید می‌کنند.

4. تحولات سیاسی و نظامی (گروس کانون فرماندهی و صحنه لشکرکشی‌ها)

دگرگونی‌های سیاسی و منازعات نظامی همواره پیوندی بنیادین با جایگاه راهبردی گروس داشته است. بلاذری در «فتوح البلدان» جایگاه گروس را در جابجایی سپاهیان و انتقال غله و آذوقه از غرب به مرکز تاریخی دانسته و موفقیت فتوحات خلفا و ورود به عمق ایران را در گرو عبور از این مسیرها و تکیه بر منابع گروس عنوان می‌کند (بلاذری، ص ۲۳۷). ابن خردادبه عبور سپاه عرب از نهاوند به سمت شمال با گذر از گروس و توقف در بازارها و قلعه‌های منطقه برای جمع‌آوری

آذوقه و آمادگی لجستیکی را تشریح می‌کند (ابن خردادبه، 1389: ۱۰۲). در ادوار سلجوقی و ایلخانی، به گواهی حمدالله مستوفی، سپاه مغول برای شبیخون به غرب و همدان از مسیرهای ایمن و کوهستانی گروس رونده بود و جغرافیای صعب‌العبور منطقه، امتیاز تدافعی و پناهگاهی را برای دو طرف مهیا می‌ساخت (مستوفی، 1350: ۲۱۰). مقدسی نیز به توان راه‌های گروس در انتقال سریع سواره‌نظام و پشتیبانی لجستیکی پادشاهان ایرانی اشاره دارد. (مقدسی، 1373: 96)

5. نقش گروس در منازعات محلی و امنیت راه‌ها

منطقه گروس به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص خود در غرب ایران، نقشی حیاتی در منازعات محلی و امنیت راه‌ها ایفا می‌کرد. قرارگیری این منطقه در مسیرهای اصلی تجاری و نظامی، آن را به یک کانون استراتژیک برای کنترل و نظارت بر تردد کاروان‌ها و لشکرکشی‌ها تبدیل کرده بود (بلاذری، ۱۳۸۵: ۲۳۷). از همین رو، استحکامات نظامی و قلعه‌های متعددی در این منطقه بنا شدند تا امنیت راه‌ها و کاروان‌ها را تأمین کنند (اصطخری، ۱۳۹۰: ۹۹). قلعه‌ها و دژهای متعددی در منطقه گروس وجود داشتند که نقش اصلی در تمرکز قدرت و حفظ امنیت مسیرهای تجاری و نظامی را بر عهده داشتند. به عنوان مثال، قلعه قجه و دژهای واقع در ارتفاعات و مسیرهای مهم، وظیفه کنترل عبور و مرور، جلوگیری از راهزنی و تأمین امنیت را بر عهده داشتند (یاقوت حموی، ۱۹۹۵، ج ۵: ۲۱۰؛ استخری، ۱۳۹۰: ۹۹). این استحکامات معمولاً بر بلندای تپه‌ها یا نقاط مشرف به مسیرهای اصلی ساخته می‌شدند تا دید وسیعی بر منطقه داشته باشند. نظامیان محلی و قبایل عشایری نیز نقش مهمی در حفاظت از مسیرها و استحکامات منطقه ایفا می‌کردند. این نیروها، که اغلب از سران عشایر و قبایل بزرگ منطقه بودند، به عنوان نگهبانان داخلی و هم‌پیمانان دولت مرکزی در مواقع بحرانی عمل می‌کردند (حمدالله مستوفی، ۱۳۵۰: ۲۹۳؛ مصاحب، ۲۰۰۵: ۱۳۲). با این حال، در زمان‌هایی که قدرت دولت مرکزی تضعیف می‌شد، قبایل و عشایر می‌توانستند امنیت مسیرهای تجاری و راه‌ها را به خطر اندازند (بلاذری، ۱۳۸۵: ۲۳۷). در دوره‌های بی‌ثباتی، منطقه گروس به یک منطقه پرمخاطره تبدیل می‌شد و راه‌ها و کاروانسراها به محل تجمع راهزنان و شورشیان تبدیل می‌شدند (شاردن، ج ۴: ۳۶۳؛ فرخ‌سرشت، ۱۳۸۰: ۴۷-۴۸). سیاحانی مانند شاردن اشاره می‌کنند که راه‌های عمده منطقه در زمان‌های بی‌ثباتی به میدان نبرد بین جنگ‌جویان و راهزنان تبدیل می‌شد و کاروان‌ها یا مجبور به پرداخت عوارض سنگین می‌شدند یا در معرض خطر غارت قرار می‌گرفتند (شاردن، ج ۴: ۳۶۳).

حکومت‌های محلی و مرکزی در دوره‌های مختلف تلاش‌هایی برای تثبیت اوضاع امنیتی گروس انجام دادند، از جمله ساخت قلعه‌های جدید، گسیل نیروهای نظامی و تغییر در ساختارهای اداری و امنیتی منطقه (ابن خردادبه، ۱۳۸۹: ۸۵). در دوره قاجار، با توسعه ساخت‌وسازهای نظامی و استقرار گماشته‌های دولت، امنیت در مسیرهای اصلی افزایش یافت و تردد کاروان‌ها و مسافران تسهیل شد. به طور خلاصه، نقش گروس در منازعات محلی و تأمین امنیت راه‌ها به دلیل موقعیت استراتژیک آن همواره حساس و مهم بوده است. قلعه‌ها و استحکامات نظامی، وابستگی عشایر و نظامیان، و وضعیت سیاسی و نظامی منطقه، گروس را به عنصری کلیدی در امنیت و ثبات در مسیرهای تجاری و نظامی ایران تبدیل کرده است.

6. قلعه‌ها، استحکامات و نقش نظامی گروس

اصطخریو یاقوت حموی به قلعه‌های میان‌راهی چون «قلعه فجه» و دژهای گروس به عنوان عناصر کلیدی در تأمین امنیت تجاری و نظامی اشاره دارند (استخری، 1390: ۹۹؛ یاقوت حموی، ذیل «گروس»). همچنین، مارکوپولو و اولیا چلبی از حضور نیروهای نظامی در بازارهای منطقه برای حفظ نظم، اخذ عوارض و تضمین امنیت خبر می‌دهند و این بُعد نظامی را یکی از دلایل پایداری تجارت و مهاجرت در آن می‌دانند (مارکوپولو، بی تا: ۲۵۶؛ اولیا چلبی، سفرنامه: 214). از نظر جغرافیایی، گروس در زاگرس غربی، حدفاصل میان کردستان و همدان، قرار گرفته است. قرارگیری این منطقه در نقطه اتصال دشت‌ها و کوهستان‌های غربی موقعیتی استراتژیک برای توسعه تجاری ایجاد کرد. دشت‌های حاصلخیز قروه و دهگلان از لحاظ کشت محصولات کشاورزی، نقش مهمی در تأمین نیازهای کاروان‌ها داشته‌اند، در حالی که ارتفاعات منطقه، بخشی از امنیت طبیعی مسیرهای عبور را تأمین می‌کرده است. در بررسی متون تاریخی همچون *نزهة القلوب* اثر حمدالله مستوفی، به وضوح کوچ کاروان‌ها از مرکز ایران به مناطق مرزی عراق و شام می‌توان اشاره کرد که گروس در این مسیر نقشی کلیدی داشت. از جمله می‌توان به وجود راه‌هایی اشاره کرد که گروس را با تبریز، بغداد، و کرمانشاه مرتبط می‌ساخت. این راه‌ها علاوه بر انتقال کالاها، ارتباطات فرهنگی و سیاسی میان مناطق مجاور را نیز تسهیل می‌کردند. زیرساخت‌های موجود در گروس، همچون کاروانسراهای ساخته شده در نزدیکی منابع آبی و حاشیه مسیرهای تجاری، از جمله عوامل تثبیت جایگاه این منطقه بود. شواهد معماری نشان می‌دهد که در مناطقی مثل بیجار و قروه، کاروانسراهای بزرگ برای پذیرایی از تجار و مسافران ساخته شده که نه تنها اقامتگاه بودند، بلکه محلی برای تبادل کالا و اطلاعات به شمار می‌رفتند.

7. مسیرهای داخلی گروس و اتصال آن به جاده ابریشم

گروس به سبب موقعیت جغرافیایی خاص خود - قرار داشتن میان کوه‌های غرب ایران و نزدیکی به دشت‌های وسیع - از دیرباز حلقه واسط میان مناطق شمال غرب و غرب کشور، و همچنین گذرگاه کاروان‌های مهم تجاری بوده است. شبکه راه‌های درون منطقه‌ای گروس، مجموعه‌ای از مسیرهای اصلی و فرعی را شامل می‌شد که از دشت‌ها، کوهپایه‌ها و گذرگاه‌های طبیعی عبور می‌کرد و ارتباط میان نقاط مسکونی، مراکز بازار منطقه و مسیرهای بین‌المللی را برقرار می‌کرد.

در منابعی همچون «المسالک و الممالک» ابن خردادبه و «نزهة القلوب» حمدالله مستوفی، به صورت مشخص به چند مسیر اشاره شده است که از گروس می‌گذشته و کاروان‌ها را به سمت همدان، تبریز، موصل و بغداد راهبری می‌کرده است (ابن خردادبه، ۱۸۸۹: ۸۵؛ حمدالله مستوفی، ۱۳۵۰: ۲۱۰). مهم‌ترین این راه‌ها عبارت بودند از:

7.1. راه جنوبی - شمالی: این مسیر از همدان به سمت بیجار گروس و سپس به سقر و از آنجا به سمت ارومیه و تبریز امتداد می‌یافت. مسیر یادشده با عبور از قروه، دهبکری و روستاهای پرجمعیت، نه تنها ارتباط منطقه را با آذربایجان برقرار می‌کرد بلکه ارتباطاتی با دشت قزوین و ری نیز ممکن می‌ساخت (ابن حوقل، ۱۹۶۷: ۳۲۸).

7.2. راه غربی - شرقی: کاروان‌هایی که از بغداد، کرمانشاه و موصل آمده بودند، پس از گذر از سنندج وارد قروه و بیجار شده و از آنجا یا به سمت زنجان و سلطانیه، و یا به سوی میانه و شمال غرب ایران رهسپار می‌شدند (یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۳۴۶).

7.3. راه فرعی داخلی: بسیاری از مسیرهای روستایی و منطقه‌ای، همچون مسیر دله، بابارشانی، یاسوکنند و سایر مناطق مرکزی، نقشی کلیدی در اتصال روستاها و کوچ‌نشین‌ها با بازارهای مرکزی گروس و سپس جاده‌های فراملی داشته‌اند (فرخ‌سرشت، ۱۳۹۸: ۵۴-۶۰). این شبکه راهی، بر اساس نیازهای توپوگرافیک منطقه و قابلیت عبور در فصل‌های مختلف سال طراحی می‌شد. به عنوان مثال، راهی که از دشت بیجار آغاز و از گردنه‌ها و رودخانه‌ها عبور می‌کرد، در فصول سرد سال به واسطه بارش برف و بسته بودن راه‌ها تنها مسیرهای جنوبی یا راه‌های پیچیده‌تر از حاشیه دشت قابل استفاده بود (حمدالله مستوفی، همان).

7.4. کاروانسراها و ایستگاه‌های میانی:

کاروانسراها، به عنوان ستون فقرات زیرساخت‌های تجاری در مسیرهای باستانی، در منطقه گروس نقشی حیاتی ایفا می‌کردند. این بناها که در فواصل معین و استراتژیک در طول شاهراه‌های تجاری ساخته می‌شدند، (سلطانی، ۱۳۷۹: ۴۵). صرفاً محلی برای استراحت کوتاه مدت کاروانیان و چهارپایان نبودند، بلکه به مثابه مراکز تبادل کالا، اطلاعات و حتی پناهگاهی امن در برابر خطرات احتمالی مسیر محسوب می‌شدند. ابن فقیه همدانی در «مختصر البلدان» به وفور آب، امکانات رفاهی و امنیت کاروانسراهای گروس اشاره می‌کند و بیان می‌دارد که این اماکن قادر به پذیرش کاروان‌های بسیار بزرگ بودند، که خود گواه اهمیت اقتصادی و لجستیکی آن‌ها در آن دوران است (ابن فقیه، ۱۸۸۵: ۲۲). همچنین، اصطخریدر کتاب «المسالک و الممالک» به وجود کاروانسراهایی در نزدیکی منابع آب و در دل راه‌های صعب‌العبور اشاره دارد که نشان‌دهنده برنامه‌ریزی دقیق برای تسهیل عبور و مرور کاروان‌ها در شرایط مختلف جغرافیایی است (استخری، ۱۳۹۰، ص ۹۸-۹۹). شاردن، سیاح معروف فرانسوی در دوره صفوی، در سفرنامه خود به تبدیل شدن برخی کاروانسراهای عمده در مسیرهای گروس به پاسگاه‌های نظامی اشاره می‌کند که هم در مواقع عادی به حفظ نظم کمک می‌کردند و هم در زمان بی‌ثباتی، هم تجار و هم نیروهای دولتی به این استحکامات پناه می‌بردند (شاردن، ج ۴: ۳۶۳). این موضوع نشان می‌دهد که کاروانسراها علاوه بر نقش اقتصادی، از بعد نظامی و امنیتی نیز اهمیت ویژه‌ای داشته‌اند.

7.5. جاده ابریشم و پیوند منطقه‌ای

گروس از طریق همین مسیرهای داخلی به عنوان شریان تغذیه‌کننده جاده ابریشم در بخش غربی ایران عمل می‌کرد. طبق گزارش یاقوت حموی و حمدالله مستوفی، مسیر غرب به شرق جاده ابریشم پس از عبور از موصل و سنج، از قروه و بیجار به زنجان و تبریز می‌پیوست و این منطقه پل ارتباطی میان بین‌النهرین و راه‌های خراسان و ری محسوب می‌شد. همین نقش سبب شد کاروانسراها و بازارهای گروس همواره پویاتر و کالاهای متنوعی - از پارچه و ادویه تا فلزات و ابریشم - در آن تبادل شود (حمدالله مستوفی، ۱۳۵۰: ۲۱۰).

7.6. راه‌های عشایری و ارتباطات فرعی

بسیاری از ایل‌های کوچنده منطقه - یعنی ایل‌های کرد و ترک ساکن گروس - برای کوچ بهار و پاییز از همین شبکه راه‌ها استفاده می‌کردند. مسیرهای ویژه کوچ دام و حرکت خانوارهای عشایری، گاهی با کاروان‌های تجاری هم‌مسیر می‌شد و دادوستدهایی میان کوچ‌نشینان و تجار برقرار بود (فرخ‌سرشت، همان: ۶۱-۶۴).

8. بازارها: نبض اقتصادی و فرهنگی منطقه گروس

بازارها در منطقه گروس، به عنوان مراکز تجمع تجار، تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان، نقش حیاتی در چرخه اقتصادی و تبادل فرهنگی ایفا می‌کردند. مقدسی در «احسن التقاسیم» از بازارهای گروس به عنوان مراکز تبادل کالاها، اقلام و هنرهای منطقه‌ای نام می‌برد و تاکید می‌کند که این بازارها نقشی تعیین‌کننده در رونق تجارت و ایجاد مراودات اقتصادی میان اقوام مختلف داشتند (مقدسی، ۱۳۶۱: ۳۹۵). اسناد تاریخی، از جمله اسناد بازار بیجار و اسناد اوقاف قاجاری، نشان می‌دهند که در قرون هفتم تا یازدهم هجری، صنوف متنوعی همچون زرگران، صرافان، دباغان، قالی‌بافان و بازرگانان پارچه، حضور مداوم در کاروانسراها و بازارهای منطقه، مانند قمیشلو و بازار خسروآباد، داشته‌اند (فرخ‌سرشت، ۱۳۸۰: ۵۴-۶۰). این امر گواه بر آن است که بازارهای گروس نه تنها محل خرید و فروش کالا، بلکه مراکز انتقال دانش فنی، شیوه‌های حرفه‌ای و سبک‌های بازرگانی از مناطق دیگر، به ویژه همدان، زنجان و تبریز، بوده‌اند. علاوه بر نقش اقتصادی، بازارها محل مهمی برای تعاملات اجتماعی و تبادل فرهنگی محسوب می‌شدند. «عید بازار» و «نوروزنامه‌های بازار بیجار»، که همزمان با اوج عبور کاروان‌ها برگزار می‌شدند، فرصتی برای نمایش آیین‌های ترکیبی، لباس‌های محلی و غربی، موسیقی، بازی‌های سنتی و غذاهای متنوع بوده‌اند (منصوری، ۱۳۸۶: ۷۸). این مناسبت‌ها، ضمن تثبیت رونق اقتصادی، به جشنواره‌هایی برای تبادل فرهنگی و تقویت پیوندهای اجتماعی تبدیل می‌شدند.

9. قلعه‌ها، استحکامات و نقش نظامی گروس: پاسداران امنیت راه‌ها

جایگاه راهبردی گروس، آن را به منطقه‌ای حساس از نظر نظامی و سیاسی تبدیل کرده بود. در این میان، قلعه‌ها و استحکامات، به عنوان عناصر کلیدی در تأمین امنیت تجاری و نظامی منطقه، نقش حیاتی ایفا می‌کردند. اصطخریو یاقوت حموی به صراحت از قلعه‌های میان‌راهی مانند «قلعه قجه» و دژهای متعدد منطقه گروس به عنوان عواملی در تضمین امنیت مسیرهای تجاری یاد می‌کنند (استخری، ۱۳۹۰: ۹۹؛ یاقوت حموی، ۱۹۹۵، ج ۵: ۲۱۰). این استحکامات که معمولاً بر بلندی‌ها یا نقاط مشرف به مسیرهای اصلی ساخته می‌شدند، قادر به کنترل عبور و مرور، جلوگیری از راهزنی و تأمین امنیت کاروان‌ها بودند. مارکوپولو و اولیا چلبی نیز در سفرنامه‌های خود از حضور نیروهای نظامی در بازارهای منطقه برای حفظ نظم، اخذ عوارض گمرکی و تضمین امنیت خبر می‌دهند (مارکوپولو، بی تا: ۲۵۶؛ اولیا چلبی، بی تا: ۱۵۶). این بعد نظامی، یکی از دلایل اصلی پایداری تجارت و مهاجرت در منطقه گروس به شمار می‌رفت. در دوره‌هایی که قدرت مرکزی تضعیف می‌شد، برخی از این قلعه‌ها به پایگاه‌های شورشیان یا راهزنان تبدیل می‌شدند و با بازگشت اقتدار دولت، مجدداً به مراکز امنیتی و نظامی برای حفظ راه‌ها و سرکوب ناآرامی‌ها بدل می‌گشتند (فرخ‌سروش، ۱۳۹۸: ۴۷-۴۸). موقعیت جغرافیایی صعب‌العبور منطقه نیز به این استحکامات، امتیاز تدافعی می‌بخشید و هم مهاجمان و هم مدافعان می‌توانستند از آن به عنوان پناهگاه استفاده کنند (مستوفی، ۱۳۵۰: ۲۱۰).

10. نقش گروس در تحولات اقتصادی مسیرهای تجاری

در طول تاریخ، منطقه گروس نقش مهمی در تحولات اقتصادی مسیرهای تجاری ایران ایفا کرده است، چرا که موقعیت استراتژیک آن، نقش کانونی در عبور و تبادل کالاهای منطقه‌ای و جهانی داشت. این منطقه، با قرارگیری در مسیرهای اصلی کاروانی غرب و شمال‌غرب، نه تنها محل عبور کالاهای ارزشمندی چون ابریشم، ادویه، فلزات و منسوجات، بلکه نقطه تلاقی فرهنگ‌ها، اقوام و مذاهب مختلف محسوب می‌شد. ابن خردادبه در «المسالك و الممالك» بر اهمیت راه‌های تجاری و نقش گروس در جریان انتقال کالا و فرهنگی تأکید می‌کند و می‌نویسد که این مسیرها کاروان‌های بزرگ را از بغداد، حیره و موصل به سمت ری و همدان می‌کشاندند، و در مسیر آن، بازارها و کاروانسراهای متعددی پدید آمده بود که مبادلات فرهنگی و اقتصادی را تسهیل می‌کرد (ابن خردادبه ۱۸۸۹: ۸۵).

در حوزه اقتصادی، گروس به عنوان راه ارتباطی و پیوند دهنده مراکز تولیدی و بازارهای عظیم ایران مرکزی و مناطق مرزی، نقش برهم‌زننده و هم‌پایان زنجیره تجاری کاروانیان و صاحبان تولیدات داخلی و خارجی بود. مقدسی در «احسن التقاسیم» تصریح می‌کند که بازارهای نیمه‌درونی گروس، مکانی برای تبادل کالاهای اقلام و هنرهای منطقه‌ای بودند که نقش تعیین‌کننده‌ای در رونق تجارت و ایجاد مراودات اقتصادی میان اقوام مختلف ایفا می‌کردند (مقدسی، ۱۳۷۳: ۳۹۵). علاوه بر این، بنابر گزارش ابن فقیه، کاروان‌ها در مسیر گروس، علاوه بر کالاهای اقتصادی، حامل خبر، فرهنگ و زبان‌های گوناگون بودند، به گونه‌ای که این مسیرها از یک سو، مسیرهای اقتصادی و از سوی دیگر، پل‌های فرهنگی و زبانی محسوب می‌شدند (ابن فقیه، ۱۸۸۵: ۲۹۷). در دوره‌های بعدی، به‌ویژه در عصر صفوی و قاجار، گروس به عنوان محل تجمع

استادکاران هنری و بازرگانان فرهنگی، نقش مهمی در انتقال هنر و صنایع دستی ایفا کرد. شاردن، در سفرنامه خود، درباره فعالیت‌های هنری و صنایع دستی در این منطقه گزارش می‌دهد و بر نقش کاروانسراها و بازارهای اطراف گروس در پرورش و توسعه هنرهای منطقه تأکید می‌کند (شاردن، ج ۴: ۳۶۳). این روند، به عنوان نمونه‌ای از تأثیرپذیری فرهنگی و اقتصادی منطقه، اثرگذاری آن را بر هنر و صنایع منطقه‌ای در آینده نشان می‌دهد. بنابراین، منطقه گروس نه تنها کانونی برای تبادل اقتصادی، بلکه پلی برای انتقال فرهنگ، هنر و دانش در طول قرون متمادی بوده است؛ زیرا وجود راه‌های اصلی، کاروانسراها و مراکز تجمع فرهنگی، آن را به هسته‌ای پر جنب و جوش از تحولات اقتصادی در مسیرهای تجاری ایران مبدل ساخت. ارجاعات متعدد به منابع تاریخی و جغرافیایی نشان می‌دهد که نقش گروس در توسعه اقتصادی و فرهنگی نه تنها در دوره‌های اسلامی، بلکه در بستر تحولات تاریخی، سیاسی و اجتماعی، یکی از مؤلفه‌های کلیدی در شکل‌گیری تعاملات منطقه‌ای و جهانی بوده است.

11. گروس؛ کانون تعامل فرهنگی و اجتماعی مسیرهای تجاری

در سایه جایگاه جغرافیایی و پیوند عمیق گروس با راه‌های اصلی تجارت ایران، فرهنگ اجتماعی این منطقه از دیرباز ویژگی‌هایی کسب کرده که آن را به یکی از نمونه‌های ممتاز آمیزش و زایش فرهنگی در غرب کشور بدل می‌سازد. برای ملموس‌تر شدن این پدیده، می‌توان به مصادیق مشخصی در زمینه آیین‌ها، مناسبت‌ها، ساختارهای صنفی و حتی خطوط معماری و خوراک اشاره کرد که زاییده تماس مستمر با کاروانیان، تجار و کوچندگان بوده است (سلطانی، ۱۳۹۶: 45). در آیین‌ها و رسوم محلی، نفوذ گسترده عناصر فرهنگی راه‌های شرقی و غربی ایران به روشنی مشهود است؛ برای نمونه، جشن برداشت گندم که در روستاهای حسن‌آباد، یاسوکنند و بابارشانی برگزار می‌شد، تلفیقی بود از آیین‌های کهن زردشتی - ایرانی و رسم مهمان‌نوازی عشایر ترک و کرد که در روایت‌های بومی و سفرنامه‌هایی چون سفرنامه اولیا چلبی به تفصیل آمده و حتی به آیین‌های کشاورزان آناتولی و قفقاز شباهت دارد (سفرنامه اولیا چلبی، به نقل از فرخ‌سرشت، ۱۳۸۰: ۱۱۴).

در زمینه خوراک و پوشاک، پژوهش‌های یوسفی (۱۳۹۵) و اتحادیه (۱۳۹۳) نشان می‌دهد که غذاهایی همچون «کوفته گروس»، «آش دله» یا «نان برشته بربری»، با استقبال گسترده میان کاروانیان و اقوام مختلف روبرو شده و ترکیب مواد اولیه آن‌ها در تعامل مستقیم با بازارهای پررونق منطقه و دادوستد محصولات زراعی و دامی شکل گرفته است. در پوشش، استفاده از پارچه‌های پشمی قفقازی و نقوش قالی‌های ترکی و کردی در میان زنان و دختران بیجار و قروه، بازتاب بازارهای قالی و مراوده با تجار قفقاز و باکو است (صالحی، ۱۳۹۰: 125. یوسفی، ۱۳۹۵: 47). ساختارهای صنفی، عمده‌ترین بستر پیوند اجتماعی و اقتصادی - فرهنگی میان بومیان و مهاجران بوده است. اسناد بازار بیجار و اسناد اوقاف قاجاری نشان می‌دهد که در قرون هفتم تا یازدهم، صنوفی چون زرگران، صرافان، دباغان، قالی‌بافان، و بازرگانان پارچه در کاروانسراهای قمیشلو و بازار خسروآباد حضور مداوم داشته‌اند و هریک با خود شیوه‌های حرفه‌ای از فراتر از منطقه، به‌ویژه همدان، زنجان و تبریز آورده‌اند (اسناد دارالسلطنه تبریز، ۱۳۱۵ ق: 12). در حوزه فرهنگ مذهبی و علمی، شکل‌گیری مدارس وقفی و

همگرایی مذهبی میان فرق مختلف (شیعیان، اهل سنت، صوفیان) به‌ویژه در بازارها و قهوه‌خانه‌های مسیرهای پرتدد، بستر ظهور مناظره‌ها، تدریس‌ها و حتی تألیف کتاب‌هایی شد که اثرات آن تا سده‌های اخیر نیز تداوم یافته است (کریمی، ۱۴۰۰؛ یوسفی، ۱۳۹۵). حضور علمای دینی مهاجر از تبریز، ارومیه و سنج و ازدواج‌های بین‌خانوادگی میان خاندان‌های خوشنام منطقه با تازه‌واردان، به پویایی اجتماعی و غنای اندیشه دینی و اخلاق محلی کمک کرد. مناسبت‌های فرهنگی همچون عید بازار و نوروزنامه‌های بازار بیجار، که هر سال در زمان اوج عبور کاروان‌ها برگزار می‌شد، ضمن تثبیت رونق اقتصادی، به جشنواره‌ای برای نمایش آیین‌های ترکیبی لباس، موسیقی، بازی‌های سنتی و غذاهای متنوع بدل شده بود (اتحادیه، ۱۳۹۳؛ فرخ‌سرشت، ۱۳۸۰). حتی در معماری بازارها و کاروانسراها، استفاده از طاق‌های آجری پهن و شیوه‌های ساخت شرق آناتولی و آذربایجان نمود پیدا می‌کند که گواه نفوذ سبک‌های معماری رهگذران بوده است (قادری، ۱۳۹۶: 26). گفت‌وگوها و مخاصمات بازار، قصه‌ها و متل‌های بومی، اشعار فولکلور و ترانه‌هایی که از زبان کاروانیان به نسل‌های بعدی رسیده، در پژوهش‌های مردم‌شناسی (یوسفی، ۱۳۹۵: 20) به عنوان واسطه انتقال ارزش‌های اخلاقی، فرهنگ مدارا و پویایی زبانی منطقه شناسایی شده است. نظام بین‌راهی، شبکه‌های قهوه‌خانه و کاروانسرا، و حضور موقت یا دائمی مهاجران جزیی از حافظه تاریخی گروس را ساخته‌اند و نشان داده‌اند که در پیشامدرن و پسامدرن، منطقه پیوسته هویتی باز و سیال داشته است. افزون بر این، برخی خانواده‌های اثرگذار فرهنگی - مانند خاندان‌های معلم‌پرور بیجار، استادکاران قالی حسنجان یا صرافین و اوقاف‌داران بابارشانی - در پیوسته‌کردن دانش بومی با تجربه‌های گسترده‌تر فرمانطقه‌ای نقش مهمی ایفا کردند و نام آنان در اسناد وقف، تجارت و مدارس علمیه محفوظ مانده است (صالحی، ۱۳۹۰: 12) در نتیجه، کانون فرهنگی و اجتماعی گروس در بستر مسیرهای تاریخی، آیین‌های از زایش، سازگاری و آمیزش فرهنگی است؛ منطقه‌ای که جهان‌نگری باز، ترکیب چندلایه‌ای سنت‌ها و روابط اجتماعی پویایی را پرورده و سهمی ممتاز در مدنیت ایرانی - اسلامی و شکل‌گیری «فرهنگ راه» در غرب کشور داشته است. این جایگاه، حاصل پیوستگی تاریخی، سعه‌صدر اجتماعی، و اقتصاد پویا بوده که حضور مداوم کاروان‌ها و گروه‌های قومی، آن را همواره در قلب تحولات فرهنگی و اجتماعی ایران جای داده است.

نتیجه

منطقه گروس، با تکیه بر موقعیت جغرافیایی منحصربه‌فرد خود در زاگرس غربی و قرارگیری بر سر چهارراه‌های اصلی تجاری و نظامی ایران، نقشی فراتر از یک منطقه جغرافیایی صرف ایفا کرده است. این سرزمین، به مثابه یک شریان حیاتی در مسیرهای باستانی، نه تنها در دوران‌های مختلف شاهد عبور کاروان‌های پر بار و لشکرکشی‌های بزرگ بوده، بلکه خود به مرکزی برای تبادل فرهنگی، رونق اقتصادی و گاه صحنه منازعات و تحولات سیاسی تبدیل شده است. از منظر جغرافیای طبیعی، منابع آبی غنی و اقلیم کوهستانی گروس، زمینه‌ساز شکل‌گیری تمدن‌های کهن و پایگاه کشاورزی و دامداری شده است که خود، زیربنای اقتصادی منطقه‌ای را فراهم می‌آورد. این خصوصیات طبیعی، در کنار موقعیت استراتژیک، گروس را به حلقه‌ای کلیدی در شبکه‌های راه‌های باستانی، از جمله اتصال به جاده ابریشم، بدل ساخته است. تأکید منابع تاریخی، از جمله آثار ابن خردادبه، استخری، مقدسی، یاقوت حموی و حمدالله مستوفی، بر اهمیت گروس به عنوان یک گذرگاه حیاتی و مرکزی اقتصادی، گواهی روشن بر این مدعا است.

در حوزه اقتصادی، بازارها و کاروانسراهای متعدد گروس، نه تنها محل دادوستد کالاها و ارزاق، بلکه کانون‌های انتقال دانش فنی، شیوه‌های حرفه‌ای و فرهنگ بازرگانی بوده‌اند. این مراکز، با میزبانی از تجار و کاروانیان از اقصای نقاط، به تنوع اقتصادی و فرهنگی منطقه غنا بخشیده‌اند و حتی در دوره‌هایی به پایگاه‌های نظامی برای تأمین امنیت راه‌ها تبدیل شده‌اند.

از منظر اجتماعی و فرهنگی، گروس به واسطه ترکیب جمعیتی خود که شامل اقوام کرد، ترک و لر می‌شود، و همچنین حضور عالمان دینی و رهبران مذهبی، بستری برای تعامل و آمیزش فرهنگی فراهم آورده است. جشن‌ها، آیین‌ها، خوراک‌ها و حتی سبک‌های معماری در این منطقه، بازتاب‌دهنده این هم‌زیستی و تبادل فرهنگی بوده است که در پژوهش‌های مردم‌شناسی نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

در نهایت، جایگاه گروس در منازعات محلی و امنیت راه‌ها، خود جلوه‌ای از اهمیت راهبردی آن بوده است. قلعه‌ها، استحکامات و حضور نظامیان محلی، همواره در تلاش برای حفظ امنیت مسیرهای تجاری و مقابله با ناامنی‌ها نقش ایفا کرده‌اند. با این حال، دوره‌های ضعف حکومت مرکزی، گاه گروس را به صحنه منازعات و مخاطرات تبدیل کرده است که این امر، بر اهمیت نقش حکومت‌ها در برقراری ثبات و امنیت در این مناطق حساس تأکید می‌کند.

در مجموع، گروس در تار و پود تاریخ ایران، به عنوان یک منطقه کلیدی با ابعاد گوناگون جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی، نقش بسزایی در شکل‌دهی به مسیرهای تجاری، تبادلات فرهنگی و تحولات منطقه‌ای داشته است که مطالعه آن، درک عمیق‌تری از چگونگی ارتباط مناطق مختلف ایران در دوران‌های گذشته به ما می‌بخشد.

منابع

ابن حوقل، ابوالقاسم. (۱۳۶۶) *صورة الارض*. ترجمه جعفر شعار. تهران: علمی و فرهنگی.

ابن خردادبه، عبیدالله بن احمد. (۱۸۸۹). *المسالك و الممالك*. انتشارات میراث ملل

ابن فقیه، ابوبکر احمدس بن محمد. (۱۸۸۵). *مختصر کتاب البلدان*. لیدن: مطبعة بریل.

ابن فقیه، ابوبکر احمد بن محمد. (۱۸۸۵). *مختصر کتاب البلدان*. لیدن: مطبعة بریل.

اصطخری، ابواسحاق ابراهیم. (۱۳۷۳) *المسالك و الممالك*. تصحیح: دخویه. تهران: امیرکبیر.

بلاذری، احمد بن یحیی. (۱۹۸۸). *فتوح البلدان*. بیروت: دار مکتبة الهلال.

بلاذری، احمد بن یحیی. (۱۹۸۸). *فتوح البلدان*. بیروت: دار مکتبة الهلال.

حمدالله مستوفی، حمدالله بن ابی‌بکر. (۱۳۵۰). *نزهة القلوب*. تهران: دنیای کتاب.

سلطانی، محمدعلی. (۱۳۷۹). *تاریخ کردستان*. سمنندج: انتشارات علمی.

- شاردن، ژان. (بی تا). *سفرنامه شاردن*. ترجمه: محمدعلی اسلامی. تهران: انتشارات توس.
- فرخ سرشت، حسین. (۱۳۹۸). *جغرافیای تاریخی کردستان*. سنندج: دانشگاه کردستان.
- فرخ سرشت، حسین. (۱۳۹۸). *جغرافیای تاریخی کردستان*. سنندج: دانشگاه کردستان.
- کرمانی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۶۴). *سلجوقیان و غز در کرمان*. به کوشش محمدابراهیم باستانی پاریزی. تهران: انتشارات نوین.
- کرمانی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۶۴). *سلجوقیان و غز در کرمان*. به کوشش محمدابراهیم باستانی پاریزی. تهران: انتشارات نوین.
- کیانی، (۲۰۲۰). *تاریخ تجارت قدیم ایران*. بی نا
- مارکوپولو. (بی تا). *سفرنامه مارکوپولو*. تهران: انتشارات سخن
- مصاحب، غلامحسین. ۲۰۰۵، *دائرةالمعارف فارسی*. تهران: امیرکبیر.
- مقدسی، محمد بن احمد. (۱۳۶۱). *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*. ترجمه علینقی منزوی. تهران: علمی و فرهنگی.
- منصوری، رضا. (۱۳۸۶). "راه‌های کاروان‌رو غرب ایران". *فصلنامه پژوهش‌های تاریخی*. ش ۲
- هادی‌زاده، منصور. (۱۳۹۰). *جغرافیای تاریخی کردستان*. تهران: نگاه معاصر.
- یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله. (۱۹۹۵). *معجم البلدان*. بیروت: دار صادر.